

internatinal Conference on Art and Humanities

رابطه‌ی انسان و طبیعت در مکتب هرات با تاکید بر نگاره‌های شیخ‌صنعان

ویدا قاسمی

کارشناسی ارشد، دانشکده هنر اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، ایران
ادرس پست الکترونیک (ghassemivida@gmail.com)

چکیده

هدف از این مقاله بررسی و تحلیل انگاره‌های طبیعت در رابطه با انسان و چگونگی نمادپردازی در تبیین شخصیت انسان در مکتب هرات با تاکید بر چند نمونه از نگاره‌های داستان شیخ صنعان است. پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به شیوه‌ی توصیفی-تحلیلی به مطالعه نمونه‌ها از نسخ مصور دربرگیرنده روایت شیخ صنعان صورت پذیرفته است. نتیجه این بررسی نشان می‌دهد که در این نگاره‌ها، نقاش از اجزاء قابل درک طبیعی برای بیان مفاهیم بهره جسته و طبیعت به صورت نمادین برای پیشبرد مفهوم نگاره پرورده شده است و از آنجا که مضمون اصلی داستان حول محور انسان و شخصیت اوست نگارگر عناصر طبیعت را در شخصیت‌پردازی انسان مورد تمثیل قرار داده است.

واژگان کلیدی: انسان، طبیعت، مکتب هرات، نگاره‌های داستان شیخ صنعان

The relationship between man and nature in Harat school according to the paintings of Sheikh Sanan story

Vida, Ghasemi

Department of Islamic art, University of Tabriz, Iran

Abstract

The aim of this study is to investigate and analyze nature motifs with regard to human and to see how the symbolism is achieved in explaining the human personality in Harat school according to the some of the paintings in the story of Sheikh Sanan. The current descriptive-analytic study, using library resources, investigated the samples from the illustrated manuscripts containing Sheikh Sanan's narrative. The results of this study indicate that in these motifs, the painter utilized natural comprehensible components to explain the concepts and the nature is developed symbolically to promote the concept of motif. Moreover, according to the results, the central theme of Sheikh Sanan story revolves around human and his personality and the miniature painter uses the elements of nature allegorically in characterization of human.

Key words: man, nature, Harat school, paintings of Sheikh Sanan story

internatinal Conference on Art and Humanities

1- مقدمه

عصر تیموری دوره‌ای از تاریخ ایران است که در آن هنر به شکوفایی بی‌سابقه‌ای دست یافت و حمایت هنری در این دوره تاثیر بسیاری در تکوین و انسجام پایه‌های هنر و پدید آمدن سبک‌های هنری از جمله مکتب هرات داشت. علاقه تیموریان به متون ادبی سبب آفرینش نسخه‌های با شکوهی از متون ادبی در همراهی با نقاشی گردید و همکناری شعر و نقاشی در این دوره قوت بیشتری گرفت.

نگاره‌های مکتب هرات در عین حال که باز نمودی است، پیوندهای ساختاری آن با شعر فارسی انسان را وادار می‌کند تا در آن سوی جنبه ملموس و محسوس آنها، معانی و مفاهیم شعر را کشف کند که در وحدت، تعادل و هماهنگی ساختار بصری و جلوه کلی آن متجلی است. (آژند، ۱۳۸۷: ۱۳۱) نگارگری این دوره همچون ادبیات آن فرهیخته و پرورده است و گرایشات و تمایلات زیباشناختی و ایدئولوژیک آن‌ها را بازتاب می‌دهد. یکی از رویکردهای مهم کتاب‌آرایی و نگارگری این دوره ورود جزئیات زندگی روزمره به عنوان موضوعی دلپذیر برای نگارگری است و بدلیل نوع نگرش و جهان‌بینی عرفانی که در این دوران وجود داشت هنرمندان مضامین روزمره را از دیدگاه عارفانه و با چشم هنرمندانه می‌نگریستند و مفاهیم و معانی مطلوب خود را در ترکیب‌بندی‌ها و نشانه‌ها و نمادهای آن جای می‌دادند. در سطوح مختلف نگارگری این دوره می‌توان درجه‌ای از تصوف را حس کرد. پیش از هر چیز، در این دوره، متون صوفیانه کتاب‌آرایی و تذهیب شد. نگاره‌های منطق‌الطیر عطار در این وادی‌ها سیر می‌کند (آژند، ۱۳۸۷: ۲۲۴).

نگارگری ایران هنری روایی است و بر محور انسان می‌گردد. در مکتب هرات بیش از پیش به انسان توجه شد و انسان - محوری عرفان و ادبیات عرفانی مورد توجه نگارگر ایرانی قرار گرفت. نگاه نگارگر ایرانی به خصوص نگارگر مکتب هرات به انسان با تامل در جایگاه مقام انسانی در حکمت، عرفان و ادبیات ایرانی، در پیدایی و هدایت نگارگری نقش انسان تاثیر بسزایی داشته است. از سویی دیگر طبیعت در نگارگری ایرانی همواره نقشی اساسی ایفا کرده است. طبیعت در نگارگری ایرانی صحنه رویدادهاست و جلوه‌های منظره تحت الشعاع روایت و مفهوم نگاره است. نگارگر جزئیات منظره را در خدمت روایت و مفهوم می‌گیرد تا با بهره‌یابی از جلوه‌های بصری طبیعت به داستان عمق بیشتری ببخشد. تاثیرات عمیق طبیعت در نقاشی ایرانی، ناشی از یک امر بینامتن است، بین اسطوره‌هایی که از قدیم در فرهنگ ایران حضور داشته و عرفانی که از اسلام ناشی می‌شود. جهان‌بینی عرفانی به وسیله‌ی ادبیات به نگارگری ایرانی راه پیدا کرده است و در نگرش هنرمندان توجهی خاص به این وجه از وجود و مراتب هستی پدید آورد. جلوه‌های متجسم انسان در نقاشی و خاصه در نگارگری برگرفته از ادبیات و نوع نگاه مکاتب اخلاقی و عرفانی است. در آثار شاعران شهیری چون سنایی عطار و مولوی و.. هدف نهایی از طرح و تحلیل کلیه مباحث عرفانی و ارائه‌ی داستان‌ها و تمثیلات شیرین و موشکافی‌های دقیق روانی و کلامی از ابعاد شخصیت‌های در اوج و حضیض اخلاقی چیزی جز تبیین و توجیه صفات ارزشمند انسان کامل و رهنمونی به مکتب روحانی او منظور نظر نیست (رزمجو، ۱۳۵۷: ۲۲۱).

همچنین در شرق و در اغلب موارد یک رابطه مسالمت‌آمیز بین طبیعت و انسان مشاهده می‌شود. نزد ایرانی‌ها از قدیم یک تعادلی همزیستی میان انسان و طبیعت وجود داشته است. یعنی اینکه انسان و طبیعت با هم در اندازه‌های متعادل حضور دارند. این تعادل بین انسان و طبیعت متجلی شده است. (نامور مطلق، ۱۳۸۴: ۱۱۸)

حکایت شیخ صنعان یکی از داستان‌های منظوم عرفانی در ادبیات فارسی است که معروفترین روایت آن مربوط به منطق الطیر عطار است و نگارگران در مکتب هرات، منطق‌الطیر عطار و نیز داستان شیخ صنعان را، چنانکه در سطور پیشین بیان شد بیش از هر دوره‌ای دیگر مورد توجه قرار دادند و به تصویرگری آن پرداختند. در نگاره‌های داستان شیخ صنعان نیز مانند دیگر نگاره‌های مکتب هرات انسان در مرکز توجه قرار دارد و همانطور که اشاره شد این نوع نگاه متأثر از اندیشه و ادبیات عرفانی حاکم بر جامعه هنرمند است. اندیشه‌های عرفانی به صورت نماد و رمز در ادبیات متجلی شده و پیرو آن هنر نگارگری ایرانی به

internatinal Conference on Art and Humanities

بیان مفاهیم عمیق و درونی عرفانی از طریق نمادها و نشانه‌ها می‌پردازد. به نظر می‌رسد در این نگاره‌ها هنرمندان بین انسان و طبیعت تعامل ایجاد کرده‌اند و از انگاره‌های طبیعت برای نشان دادن حالات درونی و مراحل سیر و سلوک انسان که از مضامین اصلی داستان بهره‌جسته‌اند.

در ادامه ضمن شرح خلاصه‌ای از داستان به معرفی چند نمونه نگارگری داستان شیخ صنعان در مکتب هرات پرداخته می‌شود و پس از آن به تحلیل نمونه‌ها و بررسی رابطه انسان و طبیعت و چگونگی ایجاد تعامل و معناسازی می‌پردازیم.

2- خلاصه داستان شیخ صنعان

پیری زاهد و دارای کرامات به نام شیخ صنعان که در کعبه اعتکاف گزیده است و چهارصد مرید دارد، چند شب پیاپی در خواب می‌بیند که در سرزمین روم بتی را پیوسته سجده می‌کند. شیخ همراه با مریدان خود عزم سفر به روم می‌کند. شیخ و مریدان همه آن سرزمین را زیر پا می‌گذارند تا آنکه روزی چشم شیخ از منظری عالی بر دختری ترسا می‌افتد که چون بُرقع از روی برمی‌گیرد، جمال بی‌نظیر او بندبند شیخ را به آتش می‌کشد. شیخ دل و دین را یکسره می‌بازد و زهد و ایمان از یاد می‌برد و روز و شب در کوی معشوق به ناله و اظهار عجز و نیاز می‌گذرد. پند و التماس و یاد کردن مریدان از کعبه و روزگار دینداری، در شیخ تاثیر نمی‌کند. دختر ترسا اثبات راستی عشق پیر و شرط وصال را در گرو انجام چهار کار می‌نهد. شیخ نوشیدن خمر را اختیار می‌کند. خرقة زهد آتش می‌زند، زنا می‌بندد و کعبه و دینداری و زهد را از یاد می‌برد و از معشوق وصال می‌طلبد. اما دختر کابین می‌خواهد و چون شیخ را سیم و زری نیست، می‌پذیرد که یک سال برای دختر خوکبانی کند. مریدان از شیخ درمانده و ناامید پنهان از شیخ چهل روز و شب معتکف می‌شوند و بر درگاه حق شفاعت و زاری می‌کنند. بعد از چهل شب، جهان کشف بر دل مریدی پاکباز، آشکار می‌شود، پیامبر (ص) به او مژده می‌دهد که حق شفاعت او را پذیرفته و شیخ را از دام گرفتاری رهانیده است. مریدان روی به جایگاه شیخ می‌آورند. شیخ را می‌بینند؛ ناقوس مغان از گردن افکنده، زنا گسسته و کلاه گبرکی انداخته و دل از ترسایی پرداخته و با یاران قصد کعبه را دارد.

دختر ترسا به دنبال خوابی که می‌بیند در پی شیخ روان می‌شود تا مذهب او گیرد. شیخ را از درون دل آگاه می‌کنند که آن دختر از ترسایی بیرون آمده است. شیخ باز می‌گردد. همه به دنبال شیخ باز می‌گردند. دختر را چون مرده‌ای بر خاک می‌یابند. شیخ از دیده بر او آب می‌افشاند تا به هوش آید. شیخ اسلام بر او عرضه می‌کند. دختر اظهار بی‌طاقتی می‌کند، از شیخ طلب عفو می‌کند و چشم از دنیا می‌بندد (پورنامداریان، 1386: 314).

3- معرفی نگاره‌ها

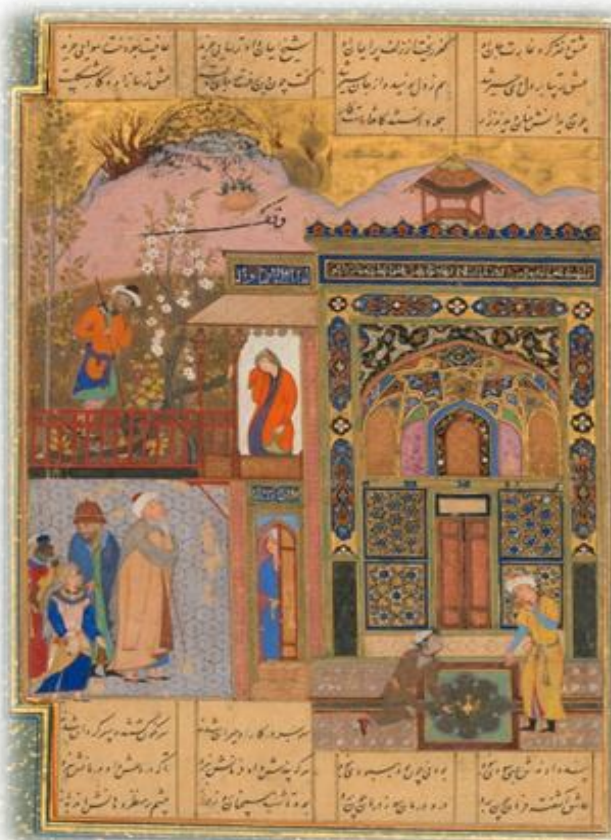
در میان نسخه‌های مصور منطق‌الطیر عطار، حکایت شیخ صنعان از جمله داستان‌هایی است که نگارگران به آن توجه کرده و به تصویرگری آن پرداخته‌اند. نسخ مصوری که در مکتب هرات تصویرگری شده‌اند و شامل نمونه‌های تصویری این داستان می‌شود طبق جدول «۱» می‌باشند. در نسخ مصور منطق‌الطیر داستان شیخ صنعان بیش از هر داستان دیگری در این نسخ، تصویرگری شده است. تصویرگری‌هایی که از این داستان در هرات شده است، شامل ۱۱ نگاره می‌باشد. مضامینی در این داستان که بیشتر مورد توجه نگارگران و نقاشان قرار گرفته است شامل رسیدن شیخ صنعان به دیر و دیدن دختر ترسا است که در پژوهش حاضر ۴ نمونه از این مضمون مورد تحلیل قرار می‌گیرد. انتخاب نمونه‌ها و ترتیب آنها بر اساس قابلیت معناپردازی انجام گرفته است. در ادامه به معرفی این چهار نمونه پرداخته می‌شود.

internatinal Conference on Art and Humanities

جدول ۱: نسخه های مصور دربرگیرنده داستان شیخ صنعان در مکتب هرات {نگارنده}

تعداد نگاره ها	تعداد نسخه	نسخ مصور	
۸	۶	منطق الطیر عطار	۱
۲	۲	مجالس العشاق	۲
۱	۱	کلیات نوایی	۳
۱۱	۹		

اولین نگاره (تصویر ۱) مربوط به نسخه‌ای از منطق الطیر عطار است که اینک در موزه متروپولیتن نگهداری می‌شود.



تصویر ۱- «دیدار شیخ صنعان و دختر ترسا»، منطق الطیر عطار، اصفهان 1600 م، موزه هنری متروپولیتن نیویورک.

www.metmuseum.org

این نسخه در سال ۱۴۸۴م. در زمان تیموریان کتابت و مصورسازی شده است. چهار جای نگاره در آن خالی مانده بود که در زمان شاه عباس اول و در سال ۱۶۰۰ م. در اصفهان به آن افزوده شد؛ این صحنه یکی از آن چهار نگاره است. در سمت چپ نگاره شیخ صنعان در حالیکه برعصا تکیه کرده و رو به دختر دارد و همراهانش قرار دارند. دختر ترسا در بالکن بیرون

internatinal Conference on Art and Humanities

نشسته دیر ایستاده و به شیخ نگاه می‌کند. در سمت راست تصویر دو مرد جوان در حال صحبت با هم هستند و مرد جوان دیگری در طبقه پایین دیر زیر بالکن از دری نیمه باز به شیخ نگاه می‌کند. در سمت چپ و در فضای باغ مردی در حال آبیاری درختان است. بنای دیر دارای تزیینات فراوان می‌باشد و فضای آن از فضای طبیعت توسط توده ای جدا شده است. طبیعت با درختان، جوی آب و کوه‌ها نشان داده شده است و در بالای تصویر قرار دارد.

نگاره دوم (تصویر ۲) مربوط به نسخه کلیات امیرعلیشیر نوایی است که اینک در کتابخانه ملی پاریس نگهداری می‌شود. این نگاره در سال ۱۵۲۶-۲۷ م. کار شده و مربوط به مکتب هرات است. در این نمونه نیز در نیمه سمت چپ بنای دیر و در ایوان بنا دختر ترسا با همراهانش قرار دارد. نگاه دختر ترسا به سمت شیخ است. در پایین سمت راست تصویر شیخ به تصویر کشیده شده است و در حال صحبت با دختر ترسا است. همراهان شیخ در قسمت پایین نگاره و در حیاط ساختمان دیر با تعجب به او می‌نگرند یا در حال گفتگو و پند او هستند. در پس زمینه نگاره طبیعت کار شده است که در فضای آن دو درخت یکی پیر و خزان زده و دیگری جوان با شکوفه‌های صورتی وجود دارد



تصویر ۲- «دیدار شیخ صنعان و دختر ترسا»، کلیات نوایی، هرات، ۱۵۲۶-۲۷ م. موزه ملی پاریس
gallica.bnf.fr

سومین نگاره (تصویر ۳) به نسخه ای از مجالس العشاق تعلق دارد. این نگاره در سال ۱۵۰۳ م. و در مکتب هرات کار شده است. ملاقات در فضای بیرونی اتفاق می‌افتد و در قسمت بالای تصویر، سمت چپ دختر ترسا در ایوان همراه با ندیمه‌اش

internatinal Conference on Art and Humanities

ایستاده است و به شیخ که در پایین تصویر است، نگاه می‌کند. در قسمت پایین بنا مردی نشسته در قاب پنجره‌ای دیده می‌شود. فضای باقیمانده توسط یک درب نرده‌ای به دو قسمت تقسیم شده است که قسمت بالای آن طبیعت و فضای باغ کار شده است و قسمت پایین آن شیخ و یارانش قرار دارند. شیخ بر عصا تکیه داده و در حال گفتگو با دختر ترساست.



تصویر 3- «دیدار شیخ صنعان و دختر ترسا»، مجالس العشاق، هرات، 1503م.
(بینیون و دیگران، 1367: 255)

آخرین نمونه (تصویر 4) مربوط به نسخه ای از منطق الطیر عطار مربوط به سال 1456م. است که در کتابخانه برلین نگهداری می‌شود. عناصر نگاره همانند نگاره‌های پیشین عبارت است از شیخ صنعان که در پایین تصویر در حال گفتگو با دختر ترساست و دختر ترسا که در بالکن طبقه دوم ساختمان دیر ایستاده و رو به شیخ دارد. شش تن از مریدان شیخ در پشت سر او ایستاده‌اند. در پایین سمت چپ تصویر در کنار دیر، فیگور مردی دیده می‌شود که انگشت حیرت به دهان دارد و به شیخ و همراهانش نگاه می‌کند. ساختمان دیر در سمت چپ نگاره واقع است. این دیدار در یک منظره طبیعی اتفاق می‌افتد که در آن درختان سرو و شکوفه‌دار و دو پرند دیده می‌شود. پرنده‌ها یکی در سمت شیخ و دیگری در سمت دختر ترسا و در امتداد پیکر آنها قرار دارد.



تصویر 4- «دیدار شیخ صنعان و دختر ترسا»، منطق الطیر، 1456م. کتابخانه برلین.
digital.staatsbibliothek-berlin.de

۴- رابطه انسان و طبیعت در نگاره‌ها

طبیعت در نگارگری ایران، طبیعت «واقع‌گرایانه» نیست، بلکه طبیعتی «آیه‌گرایانه» و سرشار از رمز و معنی است (رهنورد، ۱۳۸۲: ۴۲) و این ناشی از جهان بینی خاص نگارگر ایرانی است. طبیعت از منظر نگارگر ایرانی مفهومی ماورایی و بیانی نمادین دارد. نگارگر منظره‌ای را می‌پردازد که در طبیعت پیرامونی، همتایی برای آن متصور نبوده و اگر هم از اجزا قابل درک طبیعی بهره می‌گرفت برای هر یک مفهومی مینوی و ماورایی در نظر داشت. نگارگر جزئیات منظره را در خدمت مفهوم نگاره به کار می‌گیرد یا به عبارت دیگر، منظره به صورت نمادین برای پیشبرد مفهوم نگاره پرورده شده است. در این نگاره‌ها کلیه عناصر نشان از معنایی درونی دارند و هنرمند با بهره‌یابی از جلوه‌های بصری طبیعت به داستان عمق بیشتری می‌بخشد. در این بخش از مقاله به بررسی ارتباط انسان با طبیعت و چگونگی ایجاد تعامل بین این دو عنصر از نگاره‌های داستان شیخ صنعان می‌پردازیم.

طبیعت در نگاره ۱ به صورت باغی در پشت دیر ترسیم شده است. در این اثر عناصری از طبیعت که در ارتباط با انسان هستند و نقش مهمی در بیان مفاهیم داستان دارند؛ درخت و آب است. از دورترین ایام تصویر مثالی درخت به مثابه آیینه تمام

internatinal Conference on Art and Humanities

نمای انسان و ژرف ترین خواست‌های اوست (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۹۲). در نگاره مورد بحث در سمت چپ در قسمت فوقانی کادر، درخت سپیدار پاییزی و در مقابل آن درختی با ساقه‌های پوشیده از غنچه و شکوفه که نشان از روزهای نخست بهار دارد، دیده می‌شود. وجود درختان در حالت‌های فصلی مختلف، زمانمند نبودن تصویر یا نوعی از هم‌زمانی در زمان را نشان می‌دهد که این حالت در نگاره‌های با مفاهیم عرفانی به وفور دیده می‌شود و بر آرمانی بودن مکان و زمان داستان تاکید دارند. نگارگر در اینجا توانسته است مفاهیم داستان را با استفاده از این نشانه‌ها به خوبی نشان دهد. درخت یکی از نمادهایی است که نگارگر در تبیین شخصیت‌های اصلی داستان از آن بهره برده است. «در میان عناصر طبیعت، گذشته از ماه و خورشید که بیشتر برای انسان مورد تمثیل قرار می‌گیرند، بیش از همه درخت، نمودار تمثیلی واقع شده است» (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۹۴).

درخت شکوفه‌ای که روبروی دختر ترسا قرار گرفته است جوان، زیبا و ظریف و در عین حال کم‌ثبات و شکننده است و در فصل بهار سرآغاز هستی دوباره ترسیم شده است. درخت صورت مثالی زندگی و نماد تطور و نوشدگی است (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۸۸). در مقابل درخت سپیدار پاییزی به نقش درآمده است که در برابر پیچ و خم درخت شکوفه دار، راست قامت است و چنان رو به بالا دارد که گویی در حال شکستن قاب نگاره است. به نظر می‌رسد نگارگر با قرار دادن این دو درخت در قیاس و مجاورت هم به معرفی دو شخصیت اصلی داستان یعنی دختر ترسا و شیخ صنعان می‌پردازد و وضعیت درونی و حالت آنها را بیان می‌کند. زیبایی درخت بهاری اشاره به زیبایی دختر ترسا دارد. همچنین بهار در اندیشه ایرانی نماد تحول و تطور است و درخت پر شکوفه بهاری می‌تواند استعاره‌ای از شخصیت دختر ترسا باشد که باعث تحول و دگرگونی در شخصیت شیخ می‌شود. مشخصه دیگر این درخت چنانچه گفته شد ناپایداری و شکننده بودن آن است که می‌تواند نشانه‌ای از عمر کوتاه دختر ترسا باشد. تصویر سپیدار پاییزی دیدگاه نقاش را در خصوص شخصیت شیخ بیان می‌کند. برگ‌های زرد درخت اشاره به پیری و دنیادیدگی شیخ دارد و استواری و راست قامتی آن نشان از سرانجامی روشن برای شیخ است.

در نگاره دوم نیز (تصویر ۲) در پلان دوم تصویر، دو نشانه درخت و آب دیده می‌شود. یکی درختی تنومند با شاخ و برگ‌های فراوان و پر بار است و دیگری همانند نمونه پیشین اگرچه شکوفه‌هایی سرخ دارد اما بسیار ظریف و شکننده است. درخت تنومند همچنانکه ریشه در گذشته شیخ دارد و جلوه‌گر دوره‌ای از حیات عابدانه اوست ضعف کنونی شیخ را جبران می‌کند و وضعیت حال او را که تسلیم شیخ در برابر عشقی خاکی است را نقص می‌کند (شعیری، ۱۳۹۲: ۲۷۴).

در این نمونه علاوه بر این دو درخت، درخت سرو خمیده‌ای نیز در امتداد پیکر دختر ترسا ترسیم شده است. سرو نمادی از عشق و تکامل، سرسبزی و حیات، یگانگی و سرسپردگی است (حسنوند و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۱۳). همچنین سرو در بسیاری از موارد، کنایه از قامت معشوق است که در این صورت با صفاتی همچون سیمین و سیم اندام و از این قبیل می‌آید (یاحقی، ۱۳۸۶: ۴۶۱) همچنانکه در شعر عطار در بیتی در توصیف دختر ترسا از زبان شیخ چنین آمده است:

عهد نیکو می‌بری الحق بسر

شیخ گفت ای سرو قد سیم بر

در نمونه سوم و چهارم (تصویر ۳ و ۴) درخت سرو در کنار درخت پرشکوفه نقش شده است. یکی از ویژگی‌های طبیعت پردازی در مکتب هرات رعایت کامل اصل تقارن و تضاد است. نگارگران این مکتب همواره در پس زمینه، درختان تنومند و درختان شکوفه دار را متقارن می‌ساختند و در اصل تضاد یک درخت پرشکوفه ناپایدار را در کنار درخت همیشه سرسبز و جاودانی قرار می‌دادند. چوکین در این چشم انداز طبیعت خاص مکتب هرات یک «دید عرفانی» را شناسایی کرده است (نفیسی، ۱۳۸۴: ۵۵). همچنین درختان سرو در اغلب نگاره‌های سنتی ایرانی، به لحاظ شکل خنجری و رنگ تیره‌ای که با آن به نمایش درآمده‌اند، پیوسته با ساقه‌ها و شکوفه‌های روشن، آرایش شده‌اند تا از لحاظ بصری، پیوندشان با دیگر عناصر نگاره

internatinal Conference on Art and Humanities

محفوظ بماند (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۳۳). در آیین میترا که مسیحیت را تحت تاثیر خود دارد، درخت سرو درخت خورشیدنما تلقی شده است و در نقش بدست آمده از این رمز، سرو همچون درختی کیهانی تصویر شده که زمین را به آسمان پیوند می‌زند و خود به خورشید منتهی می‌شود. از آنجا که درخت سرو رمز جاودانگی و نامیرایی است با خورشید که مظهر بی مرگی و تولد دوباره است مربوط می‌شود (زمردی، ۱۳۸۲: ۵۶) و از این جهت با دختر ترسا که هم سبب تولد دوباره در شیخ می‌شود و هم در پایان داستان خود تولد دوباره می‌یابد ارتباط پیدا می‌کند. ارائه چنین نشانه‌هایی در نگاره علاوه بر اینکه وجوه معنا شناختی داستان را نشان می‌دهد، حاکی از درایت نقاش آن در استفاده از نماد است.

عنصر نمادین دیگر در این نگاره‌ها آب است. در نگاره اول (تصویر ۱) جویباری از کوهستان پشت دیر، سرازیر شده و از میان سپیدار پاییزی و درخت بهاری گذشته از حصار باغ پایین می‌آید. همچنین حوض سنگی که شکل هندسی آن به شکل گل نیلوفر هشت پر است در پیش زمینه نگاره در امتداد درب ورودی دیر دیده می‌شود. کناره‌های جویبار مملو از گل و بوته های رنگارنگ است و مسیر آن در فضای تصویر به شکل منحنی سینوسی پیچ و خم داری است که آب در آن جاریست. شکل هندسی حوض در پیش زمینه که به صورت گل نیلوفر هشت پر است نیز با آب و آفتاب ارتباط پیدا می‌کند. نیلوفر با طلوع خورشید سر از آب بر می‌آورد و با غروب آن افول می‌کند. می‌توان آن را به جهت ارتباطش با آب نمادی دیگر از زایش دوباره و مردن پیش از مرگ طبیعی دانست (زمردی، ۱۳۸۲: ۱۳۶). در اساطیر پرتو نوری را که در میان دل نیلوفر است، از آفتاب می‌دانند و توجیه عرفانی آن چنین است که از میان دل ریاضت کشیده نیلوفری زیبا از توده‌های خاک و خاشاک سر برمی‌آورد و در زیر نور آفتاب متجلی می‌شود و به حیاتی تازه دست می‌یابد (زمردی، ۱۳۸۲: ۵۵). این ویژگی‌ها با شخصیت دختر ترسا که همچون آب و آفتاب مظهر است و همچنین مرگ او همخوانی دارد. در داستان شیخ صنعان، عطار در جای جای روایت خود بر ارتباط دختر ترسا و آفتاب تاکید می‌کند و دختر ترسا سمبل شخصیتی روحانی است که پلیدی‌ها را از درون آدمی می‌زداید. معنای نمادین آب را می‌توان در سه مضمون اصلی چشمه حیات، وسیله تزکیه و مرکز حیات دوباره خلاصه کرد (یا حقی، ۱۳۲۶: ۳).

آب سرچشمه حیات همه موجودات است که در قرآن نماد رحمت و معرفت خوانده شده است. در نمونه‌های دیگر نیز به نظر می‌رسد آبی که در جوی جاریست، اشاره به شخصیت دختر ترسا دارد که همچنانکه اشاره شد سبب آگاهی و معرفت در شیخ است. در عرفان، آب روان را فرح و صفای دل را گویند که از علوم و معارف حقیقی باشد (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۴۳).

۵- نتیجه‌گیری

در مکتب هرات به سبب نگرش و جهان‌بینی عرفانی که در آن دوران وجود داشت نگارگران بیش از پیش به نقش انسان در نگاره‌ها پرداختند و آن را در مرکز توجه قرار دادند و به نگارگری از دیدگاه عارفانه می‌پرداختند. از سویی دیگر طبیعت در نگارگری ایرانی نقشی اساسی را همواره ایفا کرده است. در این دوره در نگاره‌ها، نقاش از اجزاء قابل درک طبیعی برای بیان مفاهیم بهره‌جسته و منظره به صورت نمادین برای پیشبرد مفهوم نگاره پرورده شده است. در واقع هنرمند با بهره‌یابی از جلوه‌های بصری طبیعت به داستان عمق بیشتری می‌بخشد. در این نگاره‌ها انسان با طبیعت و طبیعت با انسان همراه و در تعامل است و نگارگر حالات روحی و درونی انسان را در آیینی طبیعت بیان کرده است. چنانکه در بررسی نگاره‌های داستان شیخ صنعان دیدیم که هنرمند که با ایجاد رابطه بین انسان و طبیعت، از دو عنصر درخت و آب در توصیف شخصیت‌های نگاره‌ی خود بهره برده است و ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها را به وسیله‌ی طبیعت به مخاطب القا می‌کند.

internatinal Conference on Art and Humanities

منابع فارسی

کتاب‌ها:

۱. آژند، یعقوب. ۱۳۷۸. مکتب نگارگری هرات. چاپ اول، تهران: فرهنگستان هنر.
۲. بینیون، لورنس، ج. وی ویلکینسون وبازیل گری. 1367. سیر نقاشی ایرانی. ترجمه محمد ایرانمنش، تهران: امیرکبیر.
۳. پورنامداریان، تقی. ۱۳۸۶. دیدار با سیمرغ. چاپ چهارم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. حسونند، محمد کاظم. ۱۳۸۵. مطالعه ی نمادها و نشانه های مشترک تصویری و ادبی در نگارگری سنتی ایران. نشریه هنرهای زیبا ۱۱۶: ۲۷-۱۰۵.
۵. حسینی، مهدی. 1388. طبیعت در هنر شرق. به اهتمام نوشین دخت نفیسی. تهران: فرهنگستان هنر.
۶. زمردی، حمیرا. ۱۳۸۲. نقد تطبیقی ادیان و اساطیر در شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی و منطق الطیر. چاپ سوم، تهران: زوار.
۷. سلیمانی، مرضیه. ۱۳۹۰. اصطلاحات صوفیان. چاپ دوم، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۸. شعیری، حمیدرضا. ۱۳۹۱. نشانه- معنانشناسی دیداری: نظریه و تحلیل گفتمان هنری. چاپ اول، تهران: سخن.

مقالات:

۹. نامورمطلق، بهمن. 1384. بازخوانی روایت‌های شرقی انسان. خیال شرقی کتاب تخصصی هنرهای تجسمی به اهتمام مصطفی گودرزی. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۰. نفیسی، نوشین دخت. 1384. ادراک طبیعت در هنر شرقی. خیال شرقی کتاب تخصصی هنرهای تجسمی به اهتمام مصطفی گودرزی. تهران: فرهنگستان هنر.
۱۱. یاحقی، محمد جعفر. ۱۳۸۶. فرهنگ اساطیر و داستان واره ها در ادبیات فارسی. ویرایش محمد افتخاری، چاپ چهارم، تهران: فرهنگ معاصر.

منابع اینترنتی

www.digital.staatsbibliothek-berlin.de
www.gallica.bnf.fr
www.metmuseum.org